

# دکتر علی شریعتمداری، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی: در عصر جهانی شدن، آگاهی از آنچه در فرهنگ‌های دیگر می‌گذرد لازم است

دکتر علی شریعتمداری دارای دکترای تعلیم و تربیت، عضو هیئت علمی دانشگاه تربیت معلم و عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی می باشد. ایشان از جمله شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی هستند که طی تلاش‌های فراوان علمی و پژوهشی توانسته‌اند آثار و تالیفات گوناگون و مفیدی را به جامعه علمی کشور تقدیم کنند. دکتر علی شریعتمداری قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان استاد در دانشگاه‌های شیراز و اصفهان به تدریس و تحقیق اشتغال داشتند و با پیروزی انقلاب در مقام وزیر فرهنگ و آموزش عالی، رئیس فرهنگستان علوم و رئیس موسسه تحقیقات تربیتی دانشگاه تربیت معلم مشغول فعالیت بودند. آن چه در پی می‌آید حاصل گفتگوی ایشان با نشریه مهندسی فرهنگی است.

شود. باید برای نوآندیشی افراد مختلف و خلاق جمع شوند و برای امور فرهنگی و یا مهندسی امور فرهنگی راه‌های تازه پیشنهاد کنند و با استفاده از مراکز پژوهشی، آموزشی، دبستان، دبیرستان و دانشگاه تحولات لازم را در ساختار حیات جمعی به وجود آورند.

## • نقش مهندسی فرهنگی در شناساندن فرهنگ اصیل ایرانی و نقش قومیت‌ها و پیشینه تاریخی در تماس‌های فرهنگی چگونه است؟

مهندسی فرهنگی معرف شناسایی کامل فرهنگ ایرانی است. یعنی ما باید فرهنگ جامعه خودمان را خوب بشناسیم. مثلا یکی از ویژگی‌هایی فرهنگ جامعه ما دینی بودن آن است. اسلام طرفدار علم است و خداوند در قرآن می‌گوید عاقل و جاهل مثل هم نیستند. پیغمبر اکرم (ص) می‌گوید من مبعوث شدم برای عدالت، اینها عناصر اصلی فرهنگ دینی در ایران هستند. آنها که می‌خواهند از فرهنگ بحث کنند اول باید جامعه را بشناسند؛ ببینند نحوه تفکر مردم با مسائل چگونه است. وظیفه متخصصان رشته‌های مختلف علمی و صنعتی است که بیایند از حرفه تخصصی خودشان برای شناساندن ایران، ارتقاء و تحول اساسی آن قدم بردارند. اگر بخواهیم یک جامعه را بشناسیم باید با ساختار فرهنگی آن جامعه آشنا شویم مهندسی فرهنگی یعنی توجه به ساختار فرهنگ جامعه. ساختار فرهنگی منبعث از نوع حکومت، زمینه صنعتی، اقتصادی و تربیتی، خانوادگی و سیاسی می‌باشد که باید آنها را بشناسیم.

## • آیا مهندسی فرهنگ به دنبال مدیریت فرهنگ است یا به دنبال شناساندن ساختارهای فرهنگی. به نظر شما منابع جدید فرهنگ سازی و مدیریت در عصر جهانی شدن چه است؟

البته بدون تردید شناساندن ساختارهای

برخورد اعضاء خانواده با هم، شیوه تولید، شیوه خرید و فروش، شکل ساختمان؛ تمام اینها تحت عنوان فرهنگ و شیوه زندگی قرار می‌گیرند. بنابراین وقتی ما بحث فرهنگ را در جامعه به میان می‌آوریم باید توجه داشته باشیم یک مفهوم بسیار گسترده‌ای را در نظر داریم. فرهنگ را باید به معنی شیوه زندگی تلقی کنیم یعنی ساختار و زمینه‌های فرهنگی را در جامعه؛ مورد مطالعه قرار بدهیم و بعد در هر زمینه‌ای به ارزیابی و بررسی بپردازیم. ما می‌توانیم تا آنجایی که امکانات ما اجازه می‌دهد در سازمانهای اجتماعی، صنعتی، خانوادگی، تربیتی، علمی، تجدید نظر به عمل آوریم و با توجه به نیازها، مسائل

روز، امکانات و با توجه به پیشرفت علمی و فنی؛ این سازمانها را دوباره شکل بدهیم و از آنها استفاده کنیم. بنابراین اگر ما مهندسی فرهنگی را به صورت جدی تلقی کنیم باید شئون مختلف زندگی را در زمینه‌های صنعتی، تربیتی، دینی، اجتماعی، فردی و خانوادگی مورد بررسی قرار دهیم تا از این طریق فرهنگ جامعه را بشناسیم و بعد هر بخش از فرهنگ را در طول زمان مطالعه و ارزیابی کنیم و به معرض اصلاح درآوریم. ملاحظه می‌کنید ایجاد تحول، تغییر و تکامل و پیشرفت در جامعه مستلزم آن است که فرهنگ آن جامعه مورد مطالعه و ارزیابی قرار بگیرد و آنچه که مفید و مؤثر است حفظ

• همچنان که مستحضر هستید مقوله فرهنگ در هر جامعه ای با توجه به شرایط اجتماعی و تاریخی آن جامعه می‌تواند از جایگاه، اهمیت و مفهوم خاصی برخوردار باشد. بر این اساس لطفا بفرمایید شناخت دقیق و همه جانبه ساختار فرهنگ جامعه چگونه می‌تواند

به ما در مهندسی فرهنگی و رفع و اصلاح معایب و معضلات اجتماعی کمک کند؟

فرهنگ؛ شیوه زندگی و زیستن ما را تعیین می‌کند. فرهنگ سازنده محیط زیست انسانی است. وقتی ما از مهندسی بحث می‌کنیم در واقع از ساختار بحث می‌کنیم. مهندسی فرهنگی هم

انها که می‌خواهند از فرهنگ بحث کنند اول باید جامعه را بشناسند؛ ببینند نحوه تفکر مردم با مسائل چگونه است وظیفه متخصصان رشته‌های مختلف علمی و صنعتی است که بیایند از حرفه تخصصی خودشان برای شناساندن ایران، ارتقاء و تحول اساسی آن قدم بردارند

یعنی مهندسی ساختار فرهنگی. این امر مستلزم این است که ما ببینیم فرهنگ یعنی چه؟ ما باید تصور روشنی از کلمه فرهنگ داشته باشیم. فرهنگ در جامعه شناسی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. فرهنگ یعنی شیوه زندگی. وقتی ما از فرهنگ یک جامعه بحث می‌کنیم مراد ما از آن یعنی شیوه زندگی مردم آن جامعه مثلاً فرض کنید شیوه تشکیل دولت، شیوه تشکیل زمینه‌های حرفه‌ای، شیوه تشکیل بحث ساختار علمی، شیوه برخورد زنان و مردان با هم، شیوه



فرهنگی؛ لازمه مدیریت فرهنگی است. اما فرهنگ مفهوم گسترده‌ای دارد. بعضی از جامعه‌شناسان و فرهنگ‌شناسان تا حدی موفق شدند ساختار فرهنگی جامعه را روشن کنند. مراکز آموزش، مردم و فعالیتهای دینی نقش تعیین کننده‌ای در این زمینه دارند. بنابراین ما نمی‌توانیم مدیریت فرهنگ را فقط به عهده فرهنگ‌شناسان بگذاریم و بگوییم آنها یک دسته خاصی را تشکیل می‌دهند که فرهنگ جامعه را شناخته‌اند. در واقع عوامل مختلفی در اجرای فعالیت‌های فرهنگی تأثیر دارند.

در عصر جهانی شدن، آگاهی از آنچه در فرهنگ‌های دیگر می‌گذرد لازم است. البته جهانی شدن یعنی فرهنگ‌ها را به هم نزدیک کردن، وقتی بدانیم مردم یک کشور چگونه زندگی می‌کنند؛ چگونه حکومت تشکیل می‌دهند؛ چگونه خانواده تشکیل می‌دهند؛ چگونه تفاوت‌های جنسی را مراعات می‌کنند؛ از نظر اقتصادی و صنعتی در چه وضعی هستند؛ می‌توانیم با این کار به راههای درستی جهت شناخت فرهنگ‌های دیگر دست یابیم. جهانی شدن سبب می‌شود از شیوه‌های زندگی، علوم و معارف یکدیگر استفاده کنیم. بنابراین ما می‌توانیم بگوییم جهانی شدن باعث ارتباط بیشتر جوامع مختلف می‌گردد و قهراً این ارتباط برای جوامع مختلف سودمند است. اولین فایده آشنایی با شکل فرهنگ و شیوه زندگی مردم دیگر، آشنایی با نحوه برخورد آنها با مسائل حکومتی، صنعتی، اقتصادی، تربیتی، خانوادگی می‌باشد. یک کشور و جامعه‌ای ممکن است خوب پیشرفت کرده باشد و در بعضی موارد برای دیگران الگو باشد؛ اما از جهات دیگر به مطالعه جوامع دیگر احتیاج داشته باشد

**• شما می‌فرمایید در عصر جهانی شدن تماس فرهنگ‌ها با یکدیگر زیاد می‌شود و از طریق آن ما می‌توانیم با فرهنگ‌های دیگر آشنایی پیدا می‌کنیم و اگر نیروی و ارتباطی قوی داشته باشیم می‌توانیم فرهنگ خودمان را به کشور مقابل بشناسانیم، بفرمایید ضرورت مهندسی فرهنگی در عصر جهانی شدن چگونه است؟**

این اصل را باید بپذیریم که از طریق عقلانی باید حیات اجتماعی را اداره کرد. یعنی در هر جامعه‌ای متفکران، روشنفکران، اندیشمندان باید ببینند که مشکلات و امکانات جامعه آنان چه است تا بتوانند از آن

در سطح جهان کشورهای بزرگ مثل آمریکا، انگلیس و بعضی از کشورهای اروپایی دنبال این کار استعماری هستند. آنجا که مردم بیشتر نفوذ داشته باشند حکومت در دست مردم است. اگر حکومت نظامیان باشد این حکومتها موقتی و از بین رفتنی است و به هیچ وجه با اصول عقلانی قابل جمع نیست. شرایط مختلف باعث روی کار آمدن این نظامها شده و از جمله این شرایط حمایت مستقیم آمریکا است که در یک کشور از نظامیان استفاده می‌کند. کودتایی به پا می‌کند. حکومتهای ملی را سرنگون می‌کند و به نظامیان امتیازاتی می‌دهد و در مقابل به منابع ملی مملکت تسلط پیدا می‌کند و اداره مملکت را به وسیله نظامیانی که تابع آن هستند انجام می‌دهد.

**• به نظر شما آیا فرهنگ‌شناسان قادر به مدیریت فرهنگ هستند؟**

فرهنگ‌شناس کسی است که زمینه فرهنگی یک جامعه را خوب بداند و مورد مطالعه قرار بدهد. فرهنگ‌شناس کسی نیست که به تنهایی بتواند فرهنگ را اداره کند. بطور کلی افراد جامعه از هر قشر و زمینه‌ای نقش تعیین کننده‌ای نسبت به جامعه خود دارند. بنابراین در مرحله اول؛ فرهنگ جامعه باید انعکاسی از وضع جامعه باشد و برای مردم در تحولات و مدیریت امور نقش تعیین کننده داشته باشد.

امکانات برای رفع مشکلات استفاده کنند. اگر جوامع کنونی هنوز طبیعی و تابع رضایت مردم باشند آن وقت تبادل، تعامل، ارتباط و استفاده از افکار همدیگر شکل پیدا می‌کند. الان بزرگترین قدرت دنیا آمریکا است و هدفش فقط این است که بر منابع طبیعی کشورهای دیگر تسلط پیدا کند؛ حکومتهای دست‌نشانده روی کار بیاورد و به این وسیله سلطه خودش را بر جهان برقرار کند آنهايي که مدعی حمایت از حقوق بشر هستند دروغ می‌گویند. از روی همین کلمه حقوق بشر، از حیثیت حقوق بشر سوء استفاده می‌کنند. آنها طرفدار حقوق بشر نیستند. آمریکا با همه بی‌شرمی و در راه حفظ منافع خودش حکومت ایران را به عنوان یک حکومت دیکتاتوری، استبدادی و تروریستی تلقی می‌کند. منظوم این است که شرایط خیلی پیچیده است.

**• رابطه قدرت سیاسی و فرهنگ را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

قدرت سیاسی ناشی از شکل حکومت است. ما در یک جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که حاکمیت به دست مردم است که به اصطلاح می‌گویند حاکمیت دموکراتیک ولی ما الان می‌بینیم کشورهای مثل آمریکا و انگلیس که ادعای طرفداری از دموکراسی را دارند به هیچ وجه رفتارشان با ملل و انسانهای دیگر دموکراتیک نیست. فرهنگ غرب، فرهنگ استعماری است؛ استعمارگران می‌خواهند بر کشورهای در حال رشد تسلط پیدا کنند و نفت آنها را ببرند، بر بازار آنها کنترل داشته باشد و حکومتهای دست‌نشانده به وجود بیاورند. الان متأسفانه